

روزمره نگاری

کلاغ‌ها ر جز خوان شده‌اند



رقیه توسلی: عالیجناب پاییز است و برگ‌هایش... پاییز است و میوه‌هایش... چای‌های لپ‌سوزش... غذاهایش... وای غذاهایش!

مشغول ترجمام که «سارا» پیام می‌دهد، نوشته: یک کاره خوشمزه‌گی‌های به‌راحتی از راه بدرم می‌کند. کار را متوقف می‌کنم و محو آتش عباسعلی

کرمانشاهی، خورشت شش انداز گیلاتی و یتیمچه تهرانی می‌شوم. جدا از رنگ و لعاب و دستور تهیه آسان، نمی‌شود جذب اسامی قشنگشان نشد.

پیشینه آتش عباسعلی را جست‌وجو می‌کنم توی اینترنت.

رگ خواب‌گیر است این بشر. واقعاً نمی‌مانم توی نشیمنی که عطر آبگوشت تویش پیچیده. پاپیج غذاهای دیگر می‌شوم و تا کاملاً به‌خودم برگردم یک ساعت و اندی می‌برد.

تصویر غذاهای ششیک و خوش قیافه را سیر که می‌کنم «خانجان» را با آن لب‌خند ملیح می‌بینم که می‌گوید: کدبانو یعنی زنی که شورپایش را اول صبح با سوی کم بار بگذارد تا جا بیفتد. دستخست خوب پشت قیاله کسی است که خوش خلق و صبور باشد. هروقت میلتان نمی‌کشد چراغ مطبخ خانه را روشن نکنید. قابلمه‌ها با آدَم بی حوصله، بدقلقی می‌کنند عزیزکانم!

گوشی را می‌گذارم به شارژ و می‌روم سری به غذا بزنم. ملاقه را آرام‌تر از دفعه پیش برمی‌دارم. با قوطی رب گوجه مهربان‌تر از همیشه‌ام، با نمک‌پاش. عجله‌ام را مدیریت می‌کنم با اینکه کلی از برنامه کاری عقب افتاده‌ام. لیمو را با ظرافت بیشتر دو نیم و منتقل می‌کنم به ظرف آبگیری. تصمیم گرفتم‌ام چشم ندوزم به ساعت و توی آشپزخانه فقط آشپز باشم.

صدای قارقار اما که می‌پیچد توی اتاق، از خودبی خود می‌شوم و زیربلی می‌گویم واقعاً اولین روز فصل‌ها، یک حال خاصی دارند. هنوز به خوی و هوای فصل گذشته آغشته‌ای که کم‌کمک باید پیله‌ات را بشکافی و مبدل شوی به موجود دیگری که رخت و لباسش تغییر می‌کند، دیدنی‌هایش، خورودخوراکش، آب و هوایش.

پنجره را باز می‌کنم... نرمه نسیمی سوزدار می‌آید... با پاییز رخ به رخ که می‌شوم چندپار الله اکبر می‌فرستم سمت آسمان و ممنون خداوند می‌شوم... ممنون سارا که از صفحه سی و هفتم کتاب مشترک جیمز و مارگارت کشاندم بیرون... ممنون خاندان که پروپیمان مادرِبزرگ بوده... ممنون عباسعلی کرمانشاهی که یادم داد عشق، ممنوعیت سرش نمی‌شود... ممنون عمه سوسن که نذر قربانی‌اش توی قابلمه‌ام قل قل می‌زند.

چه خبر؟

تخم اژدهای دماوند



قدس زندگی: ماجرا جان می‌دهد برای قصه ساختن و حتی فیلم ترسانک و تخیلی درست کردن و یا شایعه‌سازی در فضای مجازی و ملت را ترساندن. حسایش را بکیند که مثلاً یک روز صبح گوشی‌تان را روشن کنید و در شبکه‌های اجتماعی چشمتان بیفتد به تیتِر و عکسی که خبر از «کشف تخم دایناسور» یا اژدها در دماوند می‌دهد!

ادامه خبر هم می‌گوید: کوهنوردان خارجی که قبلاً به کوه دماوند آمده‌اند، از دیدن این گوی فلزی در آن ارتفاع متعجب و آن را به تخم اژدهایی سببز رنگ تشبیه کرده‌اند. حالا چه باور کرده و چه نکرده باشند این تخم اژدها مدتی است که سروکله‌اش در دماوند پیدا شده خبرنگاران یکی دوخبرگزاری هم به اینجا و آنجا زنگ زده‌اند و پرس‌وجو کرده‌اند. مثلاً وحید رضاییان، رئیس محیط زیست شهرستان آمل گفته است: «ارتفاع ۴ هزار و ۲۰۰ متری دماوند جزو مناطق چهارگانه و تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست نیست، اما به دلیل حساسیت‌های زیست محیطی با جدیت پیگیر نصب گوی سبز رنگ در قله دماوند هستیم. البته او ضمن ابراز نگرانی از وضعیت انباشت زباله‌های راه شده در ارتفاع ۴ هزار متری دماوند این را هم گفته که هرگونه ساخت و ساز جان‌پناه و کمپ، مجوزی از محیط زیست ندارد. رضاییان تأکید کرده ادارات کل منابع طبیعی و میراث فرهنگی باید پاسخگوی موضوع وجود این گوی در ارتفاعات قله دماوند باشند، اما محیط زیست نیز با جدیت این مورد را پیگیری خواهد کرد.» «اسماعیل‌زاده» رئیس منابع طبیعی آمل هم در جواب خبرنگار «فارس» گفته در جریان موضوع نیست‌م و این مورد نیاز به بررسی و پیگیری دارد.

در نهایت خبرنگاران دست به دامن کوهنوردان می‌شوند و «علی امانی» یکی از کوهنوردانی که ۲۷ شهریور امسال به قله دماوند صعود کرده، می‌گوید: این سازه فلزی به عنوان پناهگاه کوهنوردی در یال جنوبی قله دماوند و در ارتفاع ۴ هزار و ۲۰۰ متری در کنار یک پناهگاه دیگر ساخته شده است.

او اضافه می‌کند: برخی افراد تا پارسل چادرهای بزرگ و مقاوم در برابر سرما و باد را به عنوان پناهگاه در منطقه نصب کرده بودند و در اختیار کوهنوردان قرار می‌دادند که فدراسیون کوهنوردی به منظور ساماندهی و جلوگیری از تجمع این چادرها این سازه فلزی را در منطقه نصب کرده است.

«امانی» از وجود سه پناهگاه دیگر که در همین منطقه و کمی پایین‌تر قرار دارد خبر می‌دهد و می‌گوید: «این پناهگاه فلزی فقط شامل یک اتاقک با کف سیمانی است و تنها برای استراحت یا فرار از سرما و کمک به کوهنوردان حادثه دیده ساخته شده است و هیچ امکانات اقامتی ندارد و به محیط زیست منطقه هم آسیب نمی‌رساند.

روایت اول

شاسی بلند می‌خواهم!

احمد توبت‌زاده: ماجرای واگذاری «دنا پلاس اتومات» با قیمت کارخانه به نمایندگان مجلس هنوز یکی از داغ‌ترین سوزهای فضای مجازی است. حتی اگر کاربران فضای مجازی هم بخواهند بی‌خیال حاشیه‌سازی جدید بهارسننایی‌ها شوند، خودشان انگار قصد ندارند به این زودی‌ها به حاشیه‌سازی‌هایشان پایان دهند!

هنوز حواشی مربوط به انتقاد کاربران از واگذاری دنا پلاس اتومات به نماینده‌های مجلس به صورت قطعی و با قیمت کارخانه پایان نگرفته بود که یکی از نمایندگان اعلام کرد دنا پلاس به درد نماینده مجلس نمی‌خورد و باید برای نمایندگان خودرو شاسی بلند تهیه کرد! هرچند از دو روز پیش که حواشی آغاز شده، برخی از نمایندگان اقدام به بازگرداندن خودروها به مجلس کرده و برخی دیگر هم در راستای شفاف‌سازی، توضیحات خودشان را ارائه داده‌اند، لطف‌الله سیاهکلی اعلام کرده برای رفتن به مناطق کوهستانی و روستایی شاسی بلند می‌خواهد که حتی اگر دنا پلاس را بفروشد و ۴۰۰ میلیون تومان هم از جیبش روی آن بگذارد، نمی‌تواند یک شاسی بلند مناسب تهیه کند!

نمایند قزوین، البرز و آبیک در مجلس در توجیه این صحبتش، توضیح داده در دوره قبل نماینده‌ها شاسی بلند گرفتند، به همین خاطر نماینده‌های این دوره هم باید شاسی بلند سوار شوند.

آقای نماینده در ادامه، حسایی از دولت انتقاد کرده و گفته: دولت به جای اینکه نمایندگان را در مقابل همه‌جمله افکار عمومی قرار دهد، باید دفتر کار، ماشین و نیروی انسانی بیشتری در اختیار نمایندگان بگذارد.

نمایند قزوین پس از این هم افزوده است: «واگذاری این امورات به شکل هزینه‌ای به نمایندگان غلط است. نماینده باید هزینه‌های نیروی انسانی، دفتر و رفت‌وآمد را از جیب بپردازد و کار مردم را هم انجام دهد. اجاره چند دفتر، پرداخت حقوق پرسنل و رفت و آمد به همه نقاط نمایندگان بسیار پرهزینه است و در ادامه از حالتی که استاندار و فرمانداران همه این امکانات را در اختیار دارند چرا باید شُنان یک نماینده از یک بخشدار کمتر باشد و به او این امکانات را ندهند! اینکه یک نماینده باید هزینه‌های این موارد را شخصاً بپردازد و در مقابل، مورد حمله رسانه و افکار عمومی هم باشد، حکایت خوردن هم‌زمان چماق و پیاز است.»

سیاهکلی که انگار حسایی بابت انتقادهای اخیر عصباتی است، توضیح داده: «چند مدت پیش در منطقه «چغور» ماشینم خراب شد و مجبور شدم با تویوتای یکی از مدیران سطح مالی زندگی‌اش اندازه یک بخشدار منطقه نباشد!» نماینده قزوین البته اشاره‌ای به سایر هزینه‌های پرداختی به نمایندگان نکرده و در ادامه از سایر مسائل مانند مدیریت دفاتر نمایندگان هم حسایی انتقاد کرده و گفته است: «مکان جذب نیروی اداری به شیوه جذب بین سه تا پنج نفر فراهم است، ولی برخی نهادهای دولتی نیروهای خود را به شکل «مامور به خدمت» به دفاتر نمایندگی معرفی نمی‌کنند و همه موارد یعنی تحمیل هزینه اضافه به نمایندگان که باید از جیبشان برای خدمت به مردم پرداخت شود.»

آقای نماینده در پایان حسایی به منتقدانش تاخته و خطاب به آن‌ها گفته است: «اینکه نماینده باید هم پول ماشین

را بدهد و هم سوار ماشین خود شود تا به مردم خدمت کند و هم باید توضیح دهد که چرا ماشین خریده؛ جای سؤال دارد. اگر این ماشین‌ها حتی با ۵۰ میلیون تومان در اختیار نمایندگان قرار می‌گرفت باز هم نماینده متضرر می‌شد، چرا که باید همه هزینه‌ها شامل بنزین، هزینه تعمیر و نگهداری و افت ماشین را نماینده بپردازد و پس از چهار سال نیز ماشین اسقاط شود، در حالی که دولت باید همه امکانات لازم شامل ساختمان، ماشین و پرسنل را در اختیار نماینده قرار دهد، در اینجا باید مردم مدافع نمایندگان باشند و بگویند این نماینده سرش کلاه فته، چرا باید هم پول بدهد و هم فحش بخورد و هم ماشینش پس از چهار سال مستهلک شود!»

روایت دوم

این توییت نژادپرست!

بحران نژادپرستی در غرب فقط دامن دولت آمریکا را نگرفته است؛ مدت‌هاست که اعتراض‌ها به دنیای فناوری و تکنولوژی هم کشیده شده است.

ماجرا از جایی آغاز شد که تعدادی از کارمندان سیاه‌پوست اعلام کردند فناوری تشخیص چهره در محل کارشان، در مورد آن‌ها ضعیف عمل می‌کند، به طوری که باید چندین بار در مقابل سنسور تشخیص چهره قرار بگیرند تا شناسایی شوند، این درحالی است که همکاران سفید پوستشان در اولین لحظه‌ای که رو به روی سنسور می‌ایستند شناسایی می‌شوند.

ابتدا این موضوع در حد یک حدس و گمان بود اما بسیاری از مهندسان این حوزه شروع به تحقیق روی سیستم‌های تشخیص چهره کمپانی‌های بزرگ دنیا کردند و به نتیجه حیرتانگیزی رسیدند: سیستم‌های تشخیص چهره، سفیدپوستان را چندین برابر زودتر از سیاه پوستان شناسایی می‌کنند!

در مدت زمان کوتاهی حواشی مربوط به این ماجرا به قدری گسترش یافت که شرکت‌های توسعه‌دهنده فناوری تشخیص چهره مجبور شدند اعتراف کنند سیستم‌هایشان روی شناسایی افراد سفیدپوست پای‌پریز شده و ممکن است افراد سیاه‌پوست را دیرتر تشخیص دهند.

پس از این بود که موجی از انتقادها درباره نژادپرستی در شرکت‌های توسعه فناوری آغاز شد. در نهایت کار به جایی رسید که در بسیاری از کشورها استفاده از فناوری تشخیص چهره ممنوع شد!ا درحال حاضر بسیاری از کشورها به شرکت‌ها و مراکزی که برای ثبت ساعت ورود و خروج کارمندان از سیستم تشخیص چهره استفاده می‌کنند، چندین ماه مهلت داده که سیستمشان را به شکل دیگری تغییر دهند، در غیر این صورت با جریمه سنگین مواجه خواهند شد!

چندصاحی است که کار از این هم بالاتر گرفته و برخی از شبکه‌های اجتماعی مانند توییت‌ر هم به نژادپرستی در طراحی الگوریتم‌هایشان متهم شده‌اند.

مدتی پیش «تونی ارسیری» مهندس رمزنگاری فضای مجازی اعلام کرد شرکت توییت‌ر در نمایش دادن تصاویر و پست‌های کاربران، الگوریتم نژادپرستانه‌ای دارد که سبب می‌شود برخی اولویت‌بندی‌ها غیرمنطقی باشد. او زمانی به این موضوع یی برد که تصویر باراک اوباما، رئیس جمهور سابق آمریکا را به همراه مک‌کائل بارگذاری کرد و متوجه شد الگوریتم توییت‌ر تنها چهره مک‌کائل را شناسایی می‌کند.

این مهندس رمزنگاری پس از ایجاد تغییر رنگ در تصویر

گفت‌وگو با محمد اصغرزاده، نویسنده کتاب «دلهره‌های آخرین خاکریز»

از روایت فعالیت‌های مردم در پشت جبهه‌ها غفلت کردیم

۱۲

۱۱۰ ورزش

استقلال و بازی مرگ و زندگی با «لاهای»

عبور از سعودی‌ها شرط صعود آبی‌ها

اسماعیلی در گفت‌وگو با قدس:

قول می‌دهم صعود کنیم



دلال‌ها همچنان می‌تازند

ورود دستگاه‌های نظارتی به نظام پرداختی باشگاه‌ها

مجازآباد

جنگ روایت‌ها

خطر تحریف را رهبر انقلاب مدتی پیش مطرح کردند و به این اشاره داشتند که از تحريم هم خطرناک‌تر است. در سخنان اخيرشان هم دوباره به ماجرای تحريف و البته تحريف رخداذهای دفاع مقدس اشاره کرده و در این باره هشدار دادند. یک کاربر فضای مجازی با انتشار تصویری از رزمندگان، در توییت نوشته است: مرگ را به سخره گرفتند و حماسه آفرینند تا ایران بماند و بر تاریکی تاریخ بدرخشد. به ما آموختند «زندگی زیباست اما شهادت از آن زیباتر است». اما وظیفه ما امروز در جنگ روایت‌ها و در برابر رنگ تحریف بسیار سنگین‌تر است که اگر زینب(س) نبود کربلا در کربلا دفن می‌شد.

موج دوم بحران دستمال توال‌ت در اروپا!

بسیاری از کشورها فکر موج دوم و سوم و خدا می‌داند چندم کرونا و یا قرنطینه‌سازی دوباره را کرده و می‌کنند، اما دست کم خود اروپایی‌ها شاید به موج دوم کمبود دستمال توال‌ت یا چیزهای دیگر فکر نکرده بودند. ظاهراً ماجرای موج دوم یا بحران دستمال توال‌ت این روزها جدی شده است، چون مهدی کشت‌دار، مدیرعامل خبرگزاری قوه قضائیه در توییتی نوشته است: «هوج جدید کرونا برخی دولت‌های اروپایی رو به فکر قرنطینه دوباره انداخته، مردم هم کم نداشتن و قفسه‌های فروشگاه‌ها و سپر مارکت‌ها رو خالی کردن. دوباره بحران دستمال توال‌ت اومده. empty shelves رو توی توییت سرچ کنید.»

نمایش مضحک

نمایش دو شب پیش آمریکایی جلو دوربین ر یسن را خیلی از خبرگزاری‌های جهانی از جمله بی‌بی‌سی تلاش کردند با آب و تاب پخش کنند و از قبل هم کلی زمینه‌چینی کرده بودند تا مخاطب بیشتری را پای تلویزیون‌ها بکشانند. اما از اول تا آخر این نمایش مضحک بود.

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل سیاسی در توییت نوشته است: «چهار وزیر و یک سفیر و یک مشاور امنیت ملی آمریکا آمدند جلو دوربین تا اعلام کنند تعدادی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی ایران تحریم می‌شوند، کاری که با صدور بیانیه‌ای از سوی وزارت امور خارجه آمریکا نیز امکان پذیر بود.»

۱۰۰ هزار بار بهتر

رضوی الشربینی، مجری سرشناس تلویزیون مصر که چندی پیش در برنامه تلویزیونی به زنان محجبه توصیه کرد حجاب خود را حفظ کنند و گفت خانم‌هایی که حجاب دارند بهتر از زنان بی‌حجاب هستند، با دردرس رویه‌رو شده است. این مجری سرشناس که خودش حجاب ندارد در پاسخ به زنی که پرسیده بود با پوشیدن حجاب احساس زیبایی نمی‌کند باید چکار کند، گفت: «تو نزد خداوند از من بهتر... شما ۱۰۰ هزار بار بهتر از من و زنان بی‌حجاب هستید». حالا شورای عالی تنظیم مقررات رسانه‌ای او را به نفرت‌پرانی درباره بی‌حجاب‌ها متهم کرده است.

گزارش روز

در نشست خبری «جایزه ادبی مشهد» عنوان شد

تلاش برای درخشش خراسان در ادبیات کشور



خدیجه زمانیان: نشست خبری «جایزه ادبی مشهد» با حضور بهزاد چوپانکار، مدیر برگزاری جایزه ادبی مشهد و حسین لعل‌پذری، جواد گنجعلی، فرهاد بردبار و احسان عبدی‌پور، در خانه هنرمندان شهرداری مشهد برگزار شد.

بهزاد چوپانکار، مدیر برگزاری جایزه ادبی مشهد در ابتدای این جلسه، گفت: اگر به لحاظ تاریخی به ادبیات خراسان نگاه کنیم، به جرئت می‌توان گفت بسیاری از بزرگان و نام‌آوران این حوزه خراسانی بودند و این مزید بر علت برای درخشش خطه خراسان در حوزه ادبیات شده است. رویداد جایزه ادبی مشهد با تلاش‌های بی‌وقفه اهالی ادب و با پیگیری ویژه امورهنری معاونت فرهنگی و هنری سازمان‌اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد به شورای اسلامی شهر مشهد ارائه شد و پس از بررسی و تأیید به سازمان اجتماعی و فرهنگی ابلاغ شد. وی افزود: این فراخوان در سه حوزه شعر، داستان و روایت‌نگاری در بخش کتاب منتشر شده سال ۹۸ و تک اثر چاپ نشده برگزار می‌شود.

مدیر برگزاری جایزه ادبی مشهد بیان کرد: پیش از برگزاری این رویداد بزرگ به دنبال این بودیم تا در این جایزه از چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته ادبی مشهد یاد کنیم و «شان ویژه ملک‌الشعرا ی بهار» برای شعر کلاسیک و «شان ویژه اخوان‌ثالث» برای شعر نو در نظر گرفته شده است. به همین صورت برای بخش داستان «شان ویژه توس» و در بخش روایت‌نگاری نیز «شان ویژه بهقی» به برگزیدگان این رویداد اهدا می‌شود. حسین لعل‌پذری، دبیر جایزه ادبی، در ادامه این نشست بیان کرد: روایت‌نگاری یکی از بخش‌های ویژه این جایزه است که به شهر مشهد اختصاص دارد و قرار است با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی مشهد، شخصیت‌ها و چهره‌های کمتر شناخته‌شده که بخش مهمی از هویت تاریخی این شهر و فرهنگ و اتمسفر غالب بر آن هستند، یک اتفاق ادبی و فرهنگی شگرف را در این حوزه رقم بزنیم. دبیر جایزه ادبی مشهد خاطر‌نشان کرد: ما در تلاش هستیم این رویداد تنها به انتخاب چند اثر و اهدای جوایز خلاصه نشود و از زمان شروع تا پایان آن بتوانیم به گفت‌وگو با چهره‌های شاخص ادبیات کشور، معرفی چهره‌های جوان در این حوزه، تعامل با شاعران، نویسندگان، روایت‌گران و برگزاری ورکشاپ ادبی بپردازیم. این داستان‌نویس در ادامه در خصوص ترکیب هیئت‌دوران جایزه ادبی مشهد گفت: تلاش کردیم در داوری به دو نکته پایبند باشیم. نخست تنوع و گوناگونی نگاه‌ها در داوری اولیه با دعوت از داوران جوان از شهرهای مختلف و دوم برهیز از انتخاب چهره‌های تکراری در ترکیب هیئت‌دوران. نویسنده مجموعه داستان «فتاده بودیم در گرنده حیران» با بیان اینکه امیدواریم شرایط مهیا شود تا اختتامیه به صورت حضوری تا آخر سال ۹۹ برگزار شود، از تمدید مهلت ارسال آثار تا ۱۵ مهر ماه خبرداد. وی گفت: با وجود اعلام عمومی در فراخوان مبنی بر ارسال اثر توسط ناشر و صاحب اثر، تعدادی از شاعران و نویسندگان تصور کردند فقط ناشر می‌تواند اثر به دبیرخانه جایزه ارسال کند. تمدید ۱۵ روزه برای این دسته از شاعران و نویسندگان است تا آثارشان را به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

در ادامه این نشست احسان عبدی‌پور؛ دبیر بخش روایت‌نگاری با ابراز خوشحالی از ایجاد بخش «روایت‌نگاری» در این جایزه گفت: قصه آدم‌ها با مرگ آن‌ها به زیر خاک می‌رود و این قصه‌ها اگر نوشته نشود، نعمت‌هایی هستند که به هدر رفته‌اند. در حالی که ستاورداد آدم‌ها و تجربه‌هایشان باید مکتوب شوند و سپس به اشتراک گذاشته شوند. این نویسنده، روزنامه‌نگار و فیلمساز بر ضرورت بخش «روایت‌نگاری» در جواز ادبی تأکید کرد و گفت: اهمیت روایت‌نگاری از آنجا مشخص می‌شود که روایت‌گران و مستندنویسان جواز ادبی نوبل را درو می‌کنند. فرهاد بردبار؛ نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس اصفهانی و دبیر بخش داستان جایزه ادبی مشهد، در ادامه این نشست گفت: امیدوارم جایزه ادبی مشهد، مصوبه شورای شهر مشهد شود تا با تغییر آدما عمر جشنواره به پایان نرسد و این جشنواره دائمی باشد. اما دبیر بخش شعر جایزه ادبی مشهد گفت: با برگزاری این جایزه نشان دادیم برای اتفاق‌های فرهنگی و ادبی می‌توان با را از نام‌گذاری یک کوچه و خیابان به نام شاعران و نویسندگان فراتر گذاشت و در ابعاد گسترده‌تر جریان‌سازی‌های عمیق و ماندگار ایجاد کرد.

جواد گنجعلی، شاعر، ترانسرا و منتقد خراسانی افزود: این جایزه اگرچه با عنوان جایزه ادبی مشهد کارش را آغاز کرده، اما گستره‌ای ملی دارد و میزبان همه شاعران، نویسندگان و روایت‌نگاران است و امیدوارم در تبلیغ‌های رسانه‌ای که برای این جایزه انجام می‌شود، ابعاد ملی این اتفاق ادبی مورد توجه قرار بگیرد.

ادب و هنر / جواد شیخ‌الاسلامی ا

سازندگی» در طول فعالیت خود در دهه ۶۰، به یک نهاد مردمی و په تعبیری به یک دولت روستایی و مردمی تبدیل شده بود. بخش عمده‌ای از عمران و آبادانی روستاها، حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستائیان در آن دوران که مصادف با جنگ تحمیلی بود، به دست نیروهای جهاد سازندگی صورت می‌گرفت. همچنین این نهادمقدس یکی از نقش‌آفرینان خطوط مقدم جبهه بود و از این حیث اهمیت فراوانی برای تاریخ دفاعمقدس دارد. مجموع این دلایل موجب شده پرداختن به جهاد سازندگی از اهمیت زیادی برخوردار باشد. محمدرضا شمس‌آبادی، یکی از شهدایی است که در این محیط رشد کرده و در همین محیط هم به شهادت رسیده است. «دلهره‌های آخرین خاکریز» که توسط انتشارات «ادیار» منتشر شده، زندگی‌نامه این جهادگر شهید است که پس از ۱۲۰ ساعت مصاحبه به رشته تحریر درآمده است. در هفته دفاعمقدس گفت‌وگویی با محمد اصغرزاده، نویسنده این کتاب داشتیم که می‌خوانید.

♦ **آقای اصغرزاده تمرکز این کتاب بیشتر بر شهر سسبزوار و فعالیت‌های جهادسازندگی است. ابتدا از همین دو ویژگی کتاب شروع کنیم، چرا سوزۀ این کتاب مهم است؟**

این سوزۀ یک سوزۀ سبزواری است و سبزواری است که در دفاعمقدس نقش بزرگی داشته است. این شهر بیش از یک‌هزار و ۵۰۰ شهید و چندین گران دارد. در جهاد گردان رزمی داشته و خلاصه در جبهه و جنگ نقش فعال و مؤثری داشته است، ولی اثری درباره دفاعمقدس سبزواری کار نشده است. آثاری که داریم فقط چند کتاب است که کتاب‌های ضعیفی هم هستند و ده ۷۰ توسط دفتر حفظ نشر منتشر شده‌اند. یعنی عملاً درباره سبزواری کتاب خوب و شاخص در زمینه دفاع مقدس نداریم. هیچ نهادهی به این کار نپرداخته است و از این جهت تألیف کتاب برای ما اهمیت داشت.

♦ **نوشتن کتاب پیشنهاد خود شما بود یا دفتر مطالعات جبهه‌فرهنگی؟**

انتخاب این سوزۀ دو دلیل دارد. من سال ۹۳ در دفتر مطالعات کار می‌کردم. آن موقع هنوز وارد بحث جهاد سازندگی نشده بودیم. آن زمان پسر شهید که از دوستان من هستند پیشنهاد دادند خاطرات پدرش را بنویسم. پیش از ما جهاد سازندگی سبزواری

گفت‌وگو با محمد اصغرزاده، نویسنده کتاب «دلهره‌های آخرین خاکریز»

از روایت فعالیت‌های مردم در پشت جبهه‌ها غفلت کردیم



می‌گویند وقتی یک نفر می‌جنگد، ۹ نفر پشت سر او در حال انجام امور پشتیبانی هستند. در تاریخ شفاهی ما و ثبت وقایع جنگ، آن یک نفر مورد توجه بوده، ولی آن ۹ نفر نادیده گرفته شده‌اند

واقع شده است باید بگوییم کدام حوزه‌ها دیده شده، چون اکثر حوزه‌ها مغفول مانده‌اند. تنها حوزه‌ای که مغفول نمانده خود خط درگیری جبهه است، یعنی هر کسی که در خط مقدم بوده، کار رزمی یا عملیاتی انجام داده یا آزاده بوده است، مغفول نمانده است. در دیگر حوزه‌ها

کتابی نداریم. شاید یکی از دلایلش این است که نویسنده برای جذب مخاطب به دنبال اوج و فرود اثر است و این درگیری‌ها در خط مقدم و ماجراهایی که داشته، هم برای نویسنده و هم برای مخاطب، جذابیت بیشتری داشته و بیشتر مورد توجه بوده است. به همین دلیل خیلی‌ها به سمت خط درگیری جبهه رفته‌اند و پشت جبهه کاملاً مغفول واقع شده است. آن همه فعالیتی که در پشت جبهه انجام می‌شده است، از فعالیت خانم‌ها در پشتیبانی تدارکاتی جنگ بگیرد تا حضور اقبال‌شیر مختلف مردم از دکتر، پرستار و گروه‌های جهاد سازندگی و خیلی از فعالیت‌های مردمی دیگر، حضوری در آثار دفاعمقدس ندارند. آیین‌های مردمی زیادی هم وجود داشته که جای آن‌ها در آثار دفاعمقدس خالی است، مثلاً مراسم تشییع شهدا، گروه‌های سرود و اتفاقات جالب مردمی که دراستمان از آن‌ها خالی است. می‌گویند وقتی یک نفر می‌جنگد، ۹ نفر پشت سر او در حال انجام امور پشتیبانی هستند. در تاریخ شفاهی ما و ثبت

وقایع جنگ، آن یک نفر مورد توجه بوده، ولی آن ۹ نفر نادیده گرفته شده‌اند.

♦ **چرا ما نتوانستیم از این گنجینه استفاده کنیم؟ به خصوص که حالا احساس می‌شود به مرور تسب کتاب‌های دفاع مقدس در حال فروکش است.**

مطمئن نیستم تب کتاب‌های دفاع مقدس خوابیده باشد، اما باید هر چه زودتر کار کرد، چون اکنون هم که ما داریم صحبت می‌کنیم دیر شده و بسیاری از سوزه‌های بکر از دست رفته‌اند. در چهلمین سالگرد دفاعمقدس هستیم و این نشان می‌دهد در بسیاری مواقع فرصت را از دست دادیم، اما هنوز باید از همان سوزه‌های فراوانی که هستند تا دیرتر نشده استفاده کنیم. باید ۱۰-۱۵ سال آینده را به تاریخ شفاهی جنگ یعنی خط مقدم و به خصوص پشت خط درگیری، اختصاص بدهیم و قدر فرصت‌ها را بدانیم. سوزه‌های خیلی خوبی در پشت جبهه هنوز کار نشده‌اند. بسیاری از این سوزه‌های مردمی ما هنوز بکر و دست نخورده هستند. گاهی فکر می‌کنیم فعالیت مردم فقط از جنس حضور در خط مقدم بوده در صورتی که مردم در طیف وسیعی از فعالیت‌های هنری، فرهنگی، پشتیبانی و پرستاری ... درگیر بوده‌اند و ما باید زاوی همه این فعالیت‌ها باشم و باید بدانیم پرداختن به این موضوع‌ها به حل شدن مشکلات حال حاضر مملکت هم کمک می‌کند

♦ **پرداختن به این گنجینه مردمی می‌تواند دوباره پیوندهای میان مردم را مستحکم کند؟**
بله. همه مردم ما در همه شهرها و روستاها درگیر این جنگ بوده‌اند و از آن سال‌ها خاطره دارند که باید این خاطرات ثبت شوند. مثلاً ما در روستاهای سبزواری کسی به نام آقای عباس مهری داشته‌ایم، او به روستاهای می‌رفته و کمک جمع می‌کرده است و با ماشین به پای کوه می‌آمده، بعد سوار الاغ می‌شده و خودش را به روستا می‌رسانده تا کمک‌هایی مثل: نان، پنیر، غذا و پول و امکانات را از اهالی جمع کند و به جبهه ببرد. خط مقدم جبهه با این مختصات و ویژگی‌ها پشتیبانی می‌شده و از دورترین نقاط کشور کمک‌ها را جمع می‌کرده‌اند و همه این‌ها به لطف جهاد سازندگی بوده که ثبت این تجربه به ما کمک می‌کند بتوانیم برای رفع نیازهای امروز کشور هم ظرفیت‌ها و استعدادهای مختلف مردم را به خوبی جلب و مدیریت کنیم.

هنرهای تجسمی

نشست رسانه‌ای مسابقه بین‌المللی کارتون، کاریکاتور و پوستر «فلسطین تنها نیست» برگزار شد

حمایت هنری از آزادی فلسطین

در ادامه این نشست احسان عبدی‌پور؛ دبیر بخش روایت‌نگاری با ابراز خوشحالی از ایجاد بخش «روایت‌نگاری» در این جایزه گفت: قصه آدم‌ها با مرگ آن‌ها به زیر خاک می‌رود و این قصه‌ها اگر نوشته نشود، نعمت‌هایی هستند که به هدر رفته‌اند. در حالی که ستاورداد آدم‌ها و تجربه‌هایشان باید مکتوب شوند و سپس به اشتراک گذاشته شوند. این نویسنده، روزنامه‌نگار و فیلمساز بر ضرورت بخش «روایت‌نگاری» در جواز ادبی تأکید کرد و گفت: اهمیت روایت‌نگاری از آنجا مشخص می‌شود که روایت‌گران و مستندنویسان جواز ادبی نوبل را درو می‌کنند. فرهاد بردبار؛ نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس اصفهانی و دبیر بخش داستان جایزه ادبی مشهد، در ادامه این نشست گفت: امیدوارم جایزه ادبی مشهد، مصوبه شورای شهر مشهد شود تا با تغییر آدما عمر جشنواره به پایان نرسد و این جشنواره دائمی باشد. اما دبیر بخش شعر جایزه ادبی مشهد گفت: با برگزاری این جایزه نشان دادیم برای اتفاق‌های فرهنگی و ادبی می‌توان با را از نام‌گذاری یک کوچه و خیابان به نام شاعران و نویسندگان فراتر گذاشت و در ابعاد گسترده‌تر جریان‌سازی‌های عمیق و ماندگار ایجاد کرد.

در ادامه این نشست احسان عبدی‌پور؛ دبیر بخش روایت‌نگاری با ابراز خوشحالی از ایجاد بخش «روایت‌نگاری» در این جایزه گفت: قصه آدم‌ها با مرگ آن‌ها به زیر خاک می‌رود و این قصه‌ها اگر نوشته نشود، نعمت‌هایی هستند که به هدر رفته‌اند. در حالی که ستاورداد آدم‌ها و تجربه‌هایشان باید مکتوب شوند و سپس به اشتراک گذاشته شوند. این نویسنده، روزنامه‌نگار و فیلمساز بر ضرورت بخش «روایت‌نگاری» در جواز ادبی تأکید کرد و گفت: اهمیت روایت‌نگاری از آنجا مشخص می‌شود که روایت‌گران و مستندنویسان جواز ادبی نوبل را درو می‌کنند. فرهاد بردبار؛ نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس اصفهانی و دبیر بخش داستان جایزه ادبی مشهد، در ادامه این نشست گفت: امیدوارم جایزه ادبی مشهد، مصوبه شورای شهر مشهد شود تا با تغییر آدما عمر جشنواره به پایان نرسد و این جشنواره دائمی باشد. اما دبیر بخش شعر جایزه ادبی مشهد گفت: با برگزاری این جایزه نشان دادیم برای اتفاق‌های فرهنگی و ادبی می‌توان با را از نام‌گذاری یک کوچه و خیابان به نام شاعران و نویسندگان فراتر گذاشت و در ابعاد گسترده‌تر جریان‌سازی‌های عمیق و ماندگار ایجاد کرد.

رئیس حوزه هنری تأکید کرد: من به نمایندگی از همه هنرمندان آزاده جهان، از همه دست‌اناران انسانیت و انسان دعوت می‌کنم با زبانی رسا و به شیوای هنری درباره این خبیث‌نابخشودنی سخن بگویند و از همه هنرمندان جهان از فیلم‌سازان گرفته تا کاریکاتورست، گرافیکست، نقاش، نویسندگان و شعرا دعوت می‌کنم رؤیای آن روزی که نزدیک است و فلسطین به فلسطینیان باز خواهد گشت را با زبان هنر ترسیم کنند. وی بیان کرد: حوزه هنری یک تجربه موفق از یک عمل جریان‌ساز و متعهد هنری است. به روشنی اعلام می‌کند آمادگی داریم هر آنچه از تجربه، تخصص و توان در حوزه هنری – که بیش از ۴۰ سال از عمرش می‌گذرد – داریم را در اختیار هنرمندان و هر کانون

♦ **هشتک «فلسطین تنها نیست»**

در ادامه نشست، شجاعی طباطبایی با اشاره به محورهای این مسابقه گفت: موضوع این دوره از اتفاق هنری تحت عنوان «فلسطین تنها نیست» برگزار می‌شود و در این اتفاق ما یک بخش به بخش‌های دیگر اضافه کردیم. پیش از این فقط دو بخش کارتون و کاریکاتور داشتیم که در این دوره پوستر هم به آن افزوده شده است.

وی تصریح کرد یک بخش این مسابقه مربوط به توپین به پیامبران و ادیان الهی است. توپین به پیامبران توسط یک گروه کوچک و جهانی ایجاد شده است و چیزی جز نفرت‌پرانی نیست. پرسش ما این است که آیا نفرت‌پرانی مصادق آزادی‌یست؟ پرسش این یک پرسش جدی است که باید به آن پاسخ داده شود.

شجاعی طباطبایی تصریح کرد: بحث سوم عادی‌سازی روابط با رژیم‌صهیونیستی است، اما همه باید بدانند بحث عادی‌سازی این روابط موجب نمی‌شود فلسطین تنها بماند. بد نیست بدانید مردم همین کشورهایی که از در دوستی با رژیم‌صهیونیستی درآمده‌اند از این اتفاق بسیار ناراضی و مخالف آن هستند. از طرف دیگر اینکه کشورهای عربی اعلام می‌کنند به شکل جدی کنار صهیونیست ایستاده‌اند، یک ادعای مضحک است.

برگ سبز و سند خودرو پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید به شماره انتظامی ۳۷ ایران ۴۳۸ ط ۵۹ ، شماره موتور ۱۴۲۸۱۴۲۸/۴۴۰۱۳۱۳۱ و شماره شاسی N2G***160۷9512123 به مالکیت رضا حیدری پور کلاتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

برگ سبز موتور سیکلت آچایی مدل ۱۳۹۵ رنگ آبی به شماره انتظامی ۴۴۲۵۹/۷۷۷ شماره موتور 0E4EG2973993 و شماره شاسی ۳۰۰۰۷۲۳۰۴ به مالکیت رضا حیدری پور کلاتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پذیرش پیامکی اشتراک روزنامه

۳۰۰۰۷۲۳۰۴



09020037088
سروش سازمان آگهی‌ها

آگهی تغییرات شرکت میلاد رایانه آرتا مینودر (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۱۴۷۶۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۹۶۱۹۷۹ به استناد صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹،۰۵،۱۶ تصمیبات ذیل اتخاذ شد : ۱. آقای مهرداد اسماعیلی کد ملی ۰۲۳۳۹۴۹/۴۳۱ در یافت مبلغ یک میلیون ریال کلیه سهم الشرکه خود) از صندوق شرکت، از شرکت خارج شد و دیگر هیچ گونه حق و سمتی ندارد. در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ یکصد و یک میلیون ریال به مبلغ یکصد میلیون ریال کاهش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح مذکور اصلاح گردید. سهم الشرکه شرکا به شرح ذیل می باشد: آقایان محمد کالوند میرزانی دارای مبلغ نود و نه میلیون و نهصد هزار ریال سهم الشرکه و حسین عمونی دارای مبلغ یکصد هزار ریال سهم الشرکه. ۲. نشانی شرکت از قزوین جای سابق به نشانی جدید استان قزوین ، شهرستان قزوین ، بخش مرکزی ، شهر قزوین ، محله ملک آباد ، خیابان ملک آباد ۱۲ ، بست احمد کبود وند ، پلاک ۱۳۰ ، طبقه اول کد پستی ۱۳۴۱۸۶۵۴۶۸۱ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح مذکور اصلاح گردید. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری قزوین (۹۹۵۸۰۷)
--

آگهی تغییرات شرکت حمل و نقل بین المللی عقاب خراسان آسیا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۳۶۵۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۳۷۰۷۵۶ به استناد صورت جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۹،۰۶،۲۲ به استناد نامه شماره ۴۰۰۶ مورخ ۰۶،۲۳،۱۳۹۹اتجمن صنفی شرکتهای حمل و نقل بین المللی خراسان رضوی تصمیبات ذیل اتخاذ شد : رحیم خضرائی کد ملی : ۰۲۲۰۰۵۵۰۲۱/۰۲۲۰۰۵۵۰۲۱ نیما خضرائی کد ملی : ۰۲۴۰۰۲۲۴۲۰/۰۲۴۰۰۲۲۴۲۰ رحیم خضرائی کد ملی : ۰۲۲۰۰۶۱۶۹۵/۰۲۲۰۰۶۱۶۹۵ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال تعیین شدند آقای سجاد دوست محمد کاریزی به شماره ملی ۰۲۴۰۲۲۲۰۲۱۵/۰۲۴۰۲۲۲۰۲۱۵ به سمت بازرس اصلی آقای قاسم ملایوسفی به شماره ملی ۰۲۴۹۸۷۱/۰۲۴۹۸۷۱ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند روزنامه کثیر الانتشار قدس جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید . اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۹۹۵۵۱۰)

آگهی انتقال شرکت مدیران سامانه تدبیر آسیا با مسئولیت محدود به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۸۶۹۰۱۶ به موجب نامه شماره ۹۷،۹۵۳،۱۴۰ مورخ ۱۳۹۷،۱۲،۲۶ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اصفهان و مستند به صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخه ۱۳۹۷،۱۲،۰۷ مرکز اصلی شرکت مدیران سامانه تدبیر آسیا با مسئولیت محدود به نشانی تهران ، شهرستان تهران ، بخش مرکزی ، شهر تهران ، شهیدقندی -نیلوفر ، خیابان دکتر علی شریعتی ، خیابان شهید دکتر بهشتی ، پلاک ۱۷ ، مجتمع قصر طبقه سوم ، واحد ۳۰۱ - کدپستی ۱۵۵۹۶۴۸۹۳۱ انتقال یافت و در اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تحت شماره ۵۳۹۵۰۱ به ثبت رسیده است . سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۹۹۴۸۶۴)

آگهی تغییرات موسسه حفاظتی مرافبتی طلایه داران حذر هوشمند به شماره ثبت ۲۸۱۶۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۶۰۷۸۵ به استناد صورت جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸،۰۹،۰۳ و مجوز شماره ۴۵،۰۹،۵۰۱،۱۰۰،۰۶۰ مورخ ۹۹،۳،۲۹ مرکز پلیس انتظام پیشگیری ناجا تصمیبات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت ۲ سال تعیین گردیدند: آقای رضا کلاتری دهقی به کد ملی ۱۲۸۹۶۴۵۳۸۰ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره - آقای یداله کلاتری دهقی به کد ملی ۱۰۹۱۳۶۵۸۷/۰۹۱۳۶۵۸۷ به سمت رئیس هیئت مدیره - آقای محمدرضا رضائی مقدم به کدملی ۳۸۷۲۳۴۰۷۵/۳۸۷۲۳۴۰۷۵ به سمت عضو هیئت مدیره - آقای محمود جمشیدی به کد ملی ۴۰۲۰۰۷۵۰۵۳/۴۰۲۰۰۷۵۰۵۳ به سمت عضو هیئت مدیره - آقای یوسف کاشفی به کد ملی ۴۲۸۴۶۳۸۳۲/۴۲۸۴۶۳۸۳۲ به سمت عضو هیئت مدیره - امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تهیدآور و نیز اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل منفردا همراه با مهر موسسه معتبر است . سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۹۹۴۸۶۸)
